

تأملی بر مبانی سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام خمینی (ره)

مهدی جاودانی مقدم*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۱۲

چکیده

بدون شک اندیشه‌های امام خمینی (ره) یکی از مهم‌ترین مبانی نظری سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. این مساله از یکسو متأثر از جایگاه منحصر به فرد حضرت امام (ره) به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی و از سوی دیگر تأثیرگذاری این اندیشه‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عمل سیاسی کارگزاران سیاسی و دفاعی آن می‌باشد. براین اساس، این مقاله با درک اهمیت شناخت مبانی اندیشه‌های دیدگاه امام خمینی (ره) در حوزه سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است به این سوال پاسخ دهد که مهم‌ترین عناصر موثر در سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام خمینی (ره) کدامند؟ یافته‌های این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است نشان می‌دهد که عناصر گفتمانی مانند پیوند دین و دولت، اصل دعوت، قاعده نفی سبیل، اصل تولی و تبری، تفکیک دارالاسلام از دارالکفر، حفظ مصلحت دولت اسلامی و تالیف قلوب در مفصل بندی‌ای که براساس اندیشه‌های امام خمینی (ره) در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، اصول، اهداف و منافع ملی ایران در حوزه سیاست خارجی و دفاعی - مانند حفظ نظام، نه شرقی و نه غربی، آرمانگرایی فعالانه، صدور انقلاب و امت‌سازی، دیپلماسی جهاد، استراتژی بازدارندگی مردمی و... - را شکل داده‌اند.

کلیدواژه‌گان: امام خمینی (ره)، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، سیاست دفاعی.

سپهر سیاست

سال دوم

شماره پنجم

پاییز ۱۳۹۴

سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه های امام خمینی (ره) را باید در چارچوب گفتمان اسلامی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. این مساله بدین دلیل است که امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی ایران و فقیهی سیاستمدار، دیدگاه‌های سیاسی خویش را با استناد به اصول و قواعد فقهی و مبانی نظری سیاست یک دولت اسلامی (با محوریت اسلام سیاسی به عنوان دال مرکزی انقلاب اسلامی) ارائه کرده‌اند. بنابراین چارچوب نظری اندیشه‌های امام (ره) به عنوان ایدئولوژی سیاسی انقلاب اسلامی که از آموزه‌ها و ارزش‌های اصیل سیاسی اسلامی ریشه گرفته‌اند عملاً بنیادهای نظری و عملی سیاست‌های یک دولت اسلامی و عناصر و مفصل بندی گفتمان سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند. لذا ماهیت گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی غایت‌گرا، آرمان‌گرا، اسلام‌گرا و عالمگیر که ریشه در سنت اسلام داشته و از سوی رهبری فرهمند و بی‌نظیر در جهان اسلام هدایت می‌شد پدید آمده و انقلاب اسلامی به مثابه یک گفتمان، مهمترین عامل تأثیرگذار در الگوهای رفتاری نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. این گفتمان انقلابی، با بازتعریف بنیادین دو حوزه سیاست داخلی و خارجی متأثر از دال مرکزی اسلام سیاسی و ارائه معیارهای متفاوتی از «خود» و «دگر» در عرصه ملی و فراملی، نظام معنایی گفتاری و کرداری و افق دید نظم گفتمانی سیاست خارجی و دفاعی ایران را شکل داده است. از این رو، عناصر گفتمان انقلاب اسلامی برخلاف اصول رایج دیپلماسی، سیاست خارجی و سیاست دفاعی، پایه‌گذار بنیان‌های نظری و عملی نوینی شده که با اهتمام به حاکمیت آرمان‌ها و ارزش‌های مذهبی، زمینه احیاء و نهادینه شدن جنبه‌های آزادی خواهانه، انقلابی و استقلال طلبانه مبارزات ملل اسلامی و کلیه جنبش‌های آزادیبخش را پدید آورده است. در این میان، اندیشه‌های امام خمینی (ره) به عنوان ایدئولوگ و معمار انقلاب اسلامی عملاً عناصر و مفصل بندی گفتمان سیاست خارجی و دفاعی نظام جمهوری اسلامی ایران را شکل داده است. این اندیشه‌ها برپایه شخصیت سیاسی - مذهبی امام، مبتنی بر بنیادهای نظری سیاست خارجی دولت اسلامی و اصولی مانند اصل دعوت یا جهاد، قاعده نفی سبیل، تولی و تبری، تألیف قلوب، حفظ مصلحت دولت اسلامی، تفکیک دارالاسلام از دارالکفر و پیوند دین و سیاست بوجود آمده است. از



سوی دیگر بازتاب اندیشه‌های امام (ره) در جهت‌گیری‌ها و عملکرد سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی در اصول گفتمانی آن مانند نه شرقی و نه غربی، صدور انقلاب، استکبارستیزی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، دفاع از کیان اسلام و مسلمین و تأکید بر ضرورت حفظ وحدت و انسجام اسلامی تجلی یافته است. علاوه بر اصول دفاعی مانند دیپلماسی جهاد، فرهنگ شهادت طلبی و استراتژی بازدارندگی مردمی نیز تحت تاثیر اندیشه‌های دفاعی حضرت امام (ره) در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و نهادینه شده است. در ادامه، در ابتدا با استفاده از نظریه گفتمان به اصول سیاست خارجی و دفاعی در گفتمان اسلامی اشاره می‌شود و سپس در این چارچوب بر اساس اندیشه‌های امام (ره)، مبانی سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران تبیین شود.

مبانی نظری: نظریه گفتمان

نظریه گفتمان هر چند ریشه‌های قوی در سنت‌ها و دیدگاه‌های نظری گذشته دارد اما رویکردی نسبتاً نو در تحلیل سیاسی است. این نظریه از رویکردهای نویسندگان مارکسیست مانند آنتونیو گرامشی و لوئی آلتوسر استفاده کرده و ایده‌ها و مفروضات خود را از نظریه پردازان فرامدرنیست مانند میشل فوکو و ژاک دریدا اقتباس می‌نماید (هوارت، ۲۰۲۰: ۱۳۷۸) در این میان، از نظر فوکو، گفتمان به صورت شبکه‌های معنایی یا نظامی از اشیاء است که رفتار آدمی را شکل می‌دهد و انسان‌ها به واسطه آن، هویت و اجتماع خود را تعریف کرده و از طریق آن قادر هستند جهان را فهم و درک کنند. بنابراین اشیاء و کنش‌ها تنها به عنوان جزئی از یک نظام معانی گسترده (گفتمان) قابل درک و فهم می‌باشند. در واقع، معنای اجتماعی گفتارها، کنش‌ها و نهادها همگی در ارتباط با بستر و زمینه کلی‌ای که بخشی از آن هستند، درک می‌شود. لذا موضوعات و مفاهیم برای معنادار بودن باید بخشی از یک چارچوب گفتمان گسترده باشند. (Focault, 1988)

این مفهوم پردازی از گفتمان به معنای رابطه‌ای بودن هویت گفتمان است یعنی گفتمان، هویت خود را از طریق رابطه‌ای که بین عناصر مختلف برقرار می‌کند، کسب می‌کند؛ چنانچه یک بازی فوتبال تا زمانی فوتبال است که در درون یک نظام قوانین رسوم اجتماعی (یعنی نظام قوانینی که به موجب آن فوتبال به یک ابژه

تأملی بر مبانی
سیاست خارجی
و دفاعی ...
(۹۹ تا ۱۲۱)

فیزیکی صرف محدود نمی‌شود) قرار گرفته باشد. بنابراین در منطق گفتمانی، یک شیء مستقل از نظام روابط اجتماعی، هستی دارد اما این شیء در بستر یک ترکیب گفتمانی خاص به تصویر مشخص دلالت می‌کند یا به یک ابژه زیباشناختی تبدیل می‌شود چنانچه یک قطعه الماس چه در بازار، چه در اعماق دریا، یک ابژه فیزیکی است اما زمانی آن الماس، یک هستی با مفهوم محسوب می‌شود که در درون یک نظام خاص از روابط اجتماعی قرار گرفته باشد. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۶) مثال دیگر در این زمینه یک تکه سنگ است که بسته به زمینه اجتماعی‌ای که در آن قرار گرفته می‌تواند به عنوان یک آجر برای ساختن یک خانه، یک جسم پرتاب شونده در جنگ، یک موضوع بسیار با ارزش یا یک مکشوف باستان‌شناسی تصور شود. (هوارت، ۲۰۱: ۱۳۷۸) تمام معانی و هویت‌های متفاوتی که این قطعه مادی به خود گرفته بستگی به نوع خاص گفتمان و شرایطی دارد که به آن معنا یا هستی می‌بخشد. براساس این دلایل، این گفتمان است که وضعیت ذهنی سوژه اجتماعی را شکل می‌دهد (نه برعکس) بنابراین اشیاء برای اینکه قابل فهم باشند باید به عنوان جزئی از یک چارچوب گسترده‌تر معانی وجود داشته باشند.

از سوی دیگر در نظریه گفتمان ارنستو لاکلاو و شنتال موفه، همه چیز ماهیتی گفتمانی دارد و یا نوعی سازه گفتمانی است و در رابطه با دیگر اشیاء معنا می‌یابد. لذا گفتمان هم سازنده و هم بر ساخته است و در تولید و بازتولید ساختارهای اجتماعی دخیل و منعکس کننده آن است. در واقع گفتمان‌ها در خلأ تولید نمی‌شوند و در فضایی از باورها و معانی نظام‌مند و در بستر و درون جامعه به وجود می‌آیند. (Philips, 2002) در این میان، دو فضای اساسی و متفاوت که گفتمان‌ها در درون آن رشد می‌کنند، فرهنگ و ایدئولوژی است. با این وجود، گفتمان‌ها همان ایدئولوژی یا فرهنگ به معنای سنتی یعنی مجموعه‌ای از ایده‌ها که توسط آن کنشگران اجتماعی به توضیح و توجیه کنش سازمان یافته اجتماعی خود می‌پردازند نیست. در این زمینه فوکو، گفتمان را عام‌تر از ایدئولوژی سیاسی می‌داند به گونه‌ای که ممکن است سازوکارهای آن مرزهای چند ایدئولوژی را در نوردد. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۴: ۲۱-۲۲) برای این اساس، کلیه معانی، کنش‌ها و رفتارهای یک نظام سیاسی نیز همگی در ارتباط با زمینه کلی‌ای که جزئی از آن هستند (گفتمان) درک می‌شود. در واقع هر معنا در ارتباط با رفتار کلی که در حال وقوع است و هر رفتار در ارتباط با یک گفتمان خاص فهمیده می‌شود. بنابراین در صورتی می‌توان



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال دوم
شماره پنجم
پاییز ۱۳۹۴

یک فرایند را درک کرده و توضیح داد که رفتار و گفتمانی که در درون آن، فرایندهای مذکور اتفاق می‌افتد را درک کنیم چنانچه به عنوان مثال کشیدن یک خط بر روی یک برگه کاغذ و قرار دادن آن در یک صندوق (عمل رأی دادن در یک انتخابات)، تنها درون نظامی متشکل از قواعد، رویه‌ها و نهادهایی که ما آن را دموکراسی می‌نامیم معنا می‌یابد. لذا اهمیت رأی دادن در ارتباط با دیگر رفتارها و موضوعاتی که جزئی از آن است قابل درک است. (هوارت، ۲۰۲: ۱۳۷۸)

انقلاب اسلامی به مثابه یک گفتمان

گفتمان انقلاب اسلامی را باید به عنوان اعتراض اجتماعی و سیاسی علیه گفتمان مسلط شوونیسم ایرانی و شبه مدرنیسم غربی تلقی کرد که از اصطکاک و دیالکتیک میان گفتمان مسلط شباهت با غرب و پادگفتمان‌های تفاوت با غرب به وجود آمد زیرا که از یک سو در دوره پهلوی، اسلام و هویت اسلامی به مثابه پدیده‌های تحمیلی به ایرانیان تلقی شده که هدفی جز آلوده کردن اصالت و هویت شفاف آن را نداشته است و از سوی دیگر گفتمان قدرت در این دوره - که به عنوان یک گفتمان هژمونیک از بالا و توسط قدرت سیاسی باز تولید و درون جامعه منتشر می‌شد - گفتمان شباهت با غرب بوده که در درون آن، یک ارتباط و مبادله میان فرهنگ ایرانی و فرهنگ غربی از قدیم بازنمایی می‌شد. بنابراین برجسته کردن شباهت‌ها - از طریق برجسته کردن اخذ تمدن ایرانی توسط تمدن غربی و اخذ تمدن غربی توسط تمدن ایرانی و ترکیب آن‌ها - ویژگی اصلی گفتمان پهلوی بود. در این گفتمان، دال‌های «مدرنیزاسیون»، «تجددگرایی» و «تمدن بزرگ» نیز بخشی از نظم گفتمانی بود که راه رسیدن به تمدن غربی و همتراز شدن با کشورهای صنعتی را در مدرنیزاسیون و تجددگرایی دنبال می‌کرد.

در کنار گفتمان مسلط و هژمونیک پهلوی، گفتمان‌های اجتماعی دیگری نیز شکل گرفتند که بر تفاوت با غرب تأکید کردند. این پادگفتمان‌ها بر ذاتی اصیل و متمایز از غرب و بر بازنمایی افتراقی مبتنی بودند. در این میان، پادگفتمان‌های تفاوت با غرب با دال‌های متفاوتی مانند دال «غرب زدگی»، دال «اسلام»، دال «خویشتن اصیل» و دال «حاشیه»، گفتمان‌های غرب زدگی، اسلام‌گرایی، بازگشت به خویشتن و حاشیه‌گرایی چپ را به وجود آورده بودند. (ادیب زاده، ۱۳۸۷: ۳۸-۵۰) در این شرایط، اصطلاح و دیالکتیک گفتمانی در ایران، به سنتز گفتمان انقلاب

تأملی بر مبانی
سیاست خارجی
و دفاعی ...
(۹۹ تا ۱۲۱)

اسلامی منجر شد که از یک سو جنبشی در مقابل «دیگر» ایدئولوژیک خواندن اسلام در دوره پهلوی و تلاش برای احیاء و بازسازی هویت اسلامی بود و از سوی دیگر بر گفتمان تفاوت با غرب متکی بود. بنابراین با پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان هویتی جدیدی در ایران مسلط گردید که با ایدئولوژیک کردن بافت هویتی اسلامی ایرانیان و تأکید بر تفاوت با «دیگران»، جنبش اجتماعی جدیدی را به وجود آورد که اهداف و منافع ملی خود را براساس هویت ایدئولوژیک اسلامی و گفتمان در حال گذار انقلابی که سر مقصد نهایی آن پیروزی حق بر باطل بود تعریف می‌کرد. در این گفتمان هویتی جدید، نظام جمهوری اسلامی ایران مقدمه و زمینه‌ای برای تحقق اهداف کلان سیاسی و ایدئولوژیک تلقی می‌شد بنابراین اسلام و نظام جمهوری اسلامی نیز به عنوان جنبش (و نه دولت - ملتی) برای تحقق اهداف اسلامی گردید زیرا که گفتمان انقلاب اسلامی با دال مرکزی اسلام سیاسی، با تفکیک دارالاسلام و دارالکفر و چشم انداز نهایی تحقق امت واحده اسلامی، جمهوری اسلامی را به جنبشی اجتماعی و در حال گذار تبدیل کرد.

براین اساس، کلیه معانی، کنش‌ها و رفتارهای نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نقش گفتمان هویتی انقلاب اسلامی در ساخت و بازتولید اهداف و منافع ملی، در شرایط مختلف قابل تبیین است. با این وجود، باید توجه داشت که گفتمان انقلاب اسلامی نیز مانند سایر گفتمان‌ها، از لحاظ تاریخی، حدودی و اقتضائی و دارای ساختی سیاسی است که در آن رابطه دال و مدلول ثابت نبوده و دال‌های گفتمان به هنگام کاربرد آن معنایشان را بدست می‌آورند. لذا این گفتمان نیز محصولی تاریخی بوده و همواره نوعی رابطه متقابل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان آن و بستر اجتماعی وجود دارد. این مساله سبب منازعات معنایی و سیالیت گفتمانی در گفتمان انقلاب اسلامی و رفتار نظام جمهوری اسلامی ایران و چرخش‌های گفتمانی و ساخت خرده گفتمان‌ها و تحول «در» و «از» گفتمان می‌شود اما در این میان، بعضی از عناصر گفتمان در مقایسه با عناصر دیگر آن از استمرار و ثبات بیشتری برخوردار بوده و به سادگی دستخوش تغییر و تحول نمی‌شوند. بنابراین نوعی ثبات در عناصر گفتمانی و به تبع آن در کنش و رفتار سیاسی انقلاب اسلامی وجود دارد.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال دوم
شماره پنجم
پاییز ۱۳۹۴

اصول سیاست خارجی و دفاعی در گفتمان اسلامی

بررسی سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام خمینی (ره) با استفاده از رهیافت گفتمان، مستلزم شناسایی ساختار درونی گفتمان انقلاب اسلامی، عناصر و وقته های سازنده آن و چگونگی همنشینی دالها و نشانه‌ها در مفصل بندی این گفتمان است. با توجه به اینکه در تحلیل گفتمانی لاکلاو و موفه منظور از "وقته" دال های گفتمانی است که حول دال مرکزی قرار دارد و "عناصر" وقته هایی هستند که پیش از مفصل بندی شدن در گفتمان در حوزه گفتمان‌گونگی قرار دارند، براین اساس، در این مقاله نیز تلاش شده است تا در ابتدا عناصر گفتمان سیاست خارجی و دفاعی در گفتمان اسلامی برشمرده شده و سپس مفصل بندی وقته هایی که در این گفتمان مطرح هستند ذکر گردد زیرا که تنها با درک دالها، عناصر، وقته ها و نشانه‌های این گفتمان و چگونگی مفصل بندی آنان، امکان فهم کلیت گفتمان بوجود می آید. مهم ترین این عناصر گفتمانی را می توان به شرح ذیل برشمرد:

۱. پیوند دین و دولت: اولین و مهم ترین اصل اساسی سیاست خارجی یک دولت اسلامی، پیوند دیانت و سیاست و عینیت و این همانی این دو حوزه است و از این رو دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت اسلام سیاسی شکل گرفته است. براین اساس، دین نه به عنوان امری صرفاً فردی و خصوصی بلکه به عنوان نظامی متکامل و مترقی، دربردارنده نگرش جامعی نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که می تواند علاوه بر تقنین قوانین الهی، نسبت به تنفیذ و اجرای حدود و احکام اسلامی در جامعه نیز اقدام کند. درواقع، این تلقی از اسلام به عنوان دین حداکثری معتقد به ارتباط وثیق بین دین و دولت از دو منظر برون حکومتی و درون حکومتی است. بنابراین سیاست خارجی یک دولت اسلامی نیز کاملاً بر مبنای برنامه‌ای اسلامی تنظیم و تدوین شده و به اجرا درمی آید. از سوی دیگر پیوند دین و دولت در قالب نظریه حکومت ولایی و حاکمیت ولی فقیه جامع الشرایط در جامعه اسلامی از اهمیت بیشتری برخوردار شده و با طرح لزوم مداخله روحانیت در سیاست و حکومت، بر ضرورت اعمال یک سیاست اسلامی در راستای اصلاح و تربیت انسان‌ها و تعالی کمالات آنها و صیانت از ارزش‌های مکتبی و اخلاقی جامعه اسلامی تأکید می‌شود. (دهشیری، ۱۳۷۹: ۱۸۵-۲۰۰)

۲. اصل دعوت: اصل دعوت یکی از مهم ترین اصول اساسی اسلامی است که

ماهیت روابط خارجی را از دیدگاه اسلام تبیین می‌کند. این اصل به دلیل رسالت جهانی دین اسلام، به عنوان آخرین دین الهی، در قبال سعادت کلیه انسان‌ها و ضرورت تبلیغ آن بر اساس چشم‌انداز نهایی پیروزی حق بر باطل، نوعی تکلیف سیاسی و دینی برای دولت اسلامی محسوب می‌شود. (قزوینی، ۱۳۷۴، ۶۶) از سوی دیگر اصل دعوت با دو نگرش تبیینی و ترویجی، ماهیت و چگونگی دعوت و همچنین صدور انقلاب را نیز مشخص می‌کند. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۲) نگرش ترویجی، اصل دعوت را به معنای ترویج عقاید و گسترش اندیشه‌های ناب اسلامی به سایر کشورها با توسعه دایره قلمرو اسلام می‌داند و رویکرد تبیینی تنها دعوت را تبیین عقیده و نه ترویج آن تعریف می‌کند. با توجه به اصل دعوت، سیاست خارجی دولت اسلامی به دنبال ترسیم جامعه مطلوب و ارائه الگویی جهت نیل به آن است. علاوه بر این، در اصل دعوت با تأکید بر ماهیت صلح محور روابط خارجی اسلام، عدالت اجتماعی و رفع ظلم در جوامع بشری نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا که صلح تنها در پرتو عدالت استقرار می‌یابد. این مسئله همچنین سبب می‌شود که عدالت‌جویی و تأکید بر حمایت از مستضعفین یا جنبش‌های عدالت‌گرا به یکی از اصول اساسی سیاست خارجی دولت اسلامی تبدیل شود.

۳. قاعده نفی سبیل: بر مبنای آیه «لن یجعل... للکافرین علی المومنین سبیلاً» هرگونه سلطه غیرمسلمان بر مسلمین غیرقابل پذیرش است. این قاعده که با تفسیری ایجابی به معنای نفی سلطه و مبارزه با نظام سلطه است، (سجادی، ۱۳۸۳: ۴۷-۵۶) اصل تجدیدنظر طلبانه‌ای محسوب شده که ساختارها و هنجارهای بین‌المللی کنونی را طرد می‌کند. بر این اساس، ماهیت تعاملات یک دولت اسلامی و سایر کشورها از طریق محدود کردن و سد هرگونه نفوذ سلطه کفار بر جوامع اسلامی شکل می‌گیرد.

۴. اصل تولی و تبری: دوستی دوستان خدا و دشمنی دشمنان او که در فروع اسلام مورد تأکید قرار گرفته است، نوع، اولویت و چگونگی برقراری و تداوم روابط دولت اسلامی با سایر کشورها را مشخص می‌کند. بر این اساس، دولت اسلامی باید اولویت تعاملات خارجی خود را بر مبنای همکاری با جهان اسلام تنظیم کرده و روابط خود با سایر کشورها را نیز بر مبنای تفکیک دارالاسلام و دارالکفر تعیین کند. از سوی دیگر تولی و تبری نظام ائتلاف و اتحادسازی یک



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال دوم
شماره پنجم
پاییز ۱۳۹۴

دولت اسلامی را نیز تنظیم کرده و اولویت روابط خارجی دولت اسلامی را بر مبنای همکاری با کشورهای جهان اسلام و سپس همسایگان منطقه‌ای و در نهایت دولت‌های فرامنطقه‌ای دارالکفر تدوین می‌کند. (موسوی زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۷: ۲۱۲)

۵. تفکیک دارالاسلام از دارالکفر: در جهان‌بینی اسلامی معیار شناختی و ارزش‌گذاری بر اساس مرزهای ملی صورت نمی‌گیرد، بلکه از منظر ایمان به اسلام، دو قلمرو دارالاسلام و دارالکفر از یکدیگر مجزا می‌شوند. بر این اساس دارالاسلام به‌عنوان هسته اولیه تشکیل امت واحده اسلامی از دارالکفر، دارالحرب، دارالذمه، دارالهدنه، دارالاستئمان، دارالحیاد، دارالهجره و دارالاستضعاف تمیز داده می‌شود. به‌عبارت دیگر تابعیت در فرهنگ اسلامی نه تابعیت ملی بلکه تابعیتی مذهبی قلمداد شده و نوع رفتار آن با دنیای خارج نیز بر اساس تعامل با دارالاسلام و دارالکفر متفاوت می‌شود. همچنین بر این اساس یکی از اهداف سیاست خارجی یک دولت اسلامی تلاش برای ایجاد وحدت و انسجام دارالاسلام است.

۶. حفظ مصلحت دولت اسلامی: بر اساس اصول اساسی اسلامی، حفظ یک نظام اسلامی از اوجب واجبات است. این مسئله در کنار ضروریات واقع‌گرایانه تحمیلی نظام بین‌الملل بر یک دولت اسلامی، اصل حفظ مصلحت دولت اسلامی را به‌وجود می‌آورد. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۳) بر مبنای این اصل، مصلحت یک دولت اسلامی اقتضا می‌کند تا در شرایطی سیاست خارجی دولت اسلامی در گذار از چالش آرمان‌گرایی - واقع‌گرایی، بر اساس ضرورت بقای آن دولت، ماهیتی واقع‌گرایانه پیدا کرده و به سازگاری با هنجارها و اصول نظام بین‌الملل منجر شود.

۷. تألیف قلوب: اصل تألیف قلوب یکی دیگر از اصول اسلامی است که اگرچه در ظاهر به‌عنوان ابزار سیاست خارجی از اهمیت کمی برخوردار است، اما در عمل، به‌دلیل دو معنای فقهی و سیاسی آن جایگاه مهمی در رفتار خارجی دولت اسلامی دارد. در معنای فقهی، تألیف قلوب به‌معنای حمایت از مسلمین ضعیف‌الاراده و کافران غیرمتخاصم در راستای همکاری آنان با دولت اسلامی است. از نظر سیاسی نیز تألیف قلوب بر حمایت از برخی دولت‌ها برای جلوگیری از اتحاد آنان با سایر دولت‌های مخالف نظام اسلامی و ضرورت پشتیبانی از نهضت‌های آزادیبخش تأکید دارد. (نخعی، ۱۳۷۶: ۲۰۹) بر این اساس اصل تألیف قلوب با رویکردی ایدئولوژیک و واقع‌گرا، اولویت روابط با برخی دولت‌های

تأملی بر مبنای
سیاست خارجی
و دفاعی ...
(۹۹ تا ۱۲۱)

انقلابی، ضدسلطه و جنبش‌های آزادیبخش را در اهداف ملی دولت اسلامی تعیین می‌کند.

مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های امام خمینی (ره)

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مانند سایر کشورها در نظام بین‌الملل بر اصول ثابت و پایداری استوار است که در عرصه بین‌المللی، راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی قرار می‌گیرند. این اصول که براساس رهیافت گفتمان، بازتاب مفصل بندی وقته‌های گفتمانی و نمادها و نشانه‌های گفتمان انقلاب اسلامی هستند، منافع، ارزشهای ملی و اهداف کشور را تعیین کرده و جهت‌گیری کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهند. در این میان، یکی از مهم‌ترین ابعاد انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، رویکرد خاص آن نسبت به مسائل جهانی و به‌ویژه سیاست خارجی است. این مساله با توجه به عناصر، وقته‌ها و مفصل بندی گفتمان سیاست خارجی ایران، اصول و قواعد جدیدی را در ساختار قدرت محور نظام بین‌الملل تبیین کرده که ماهیت سیاست خارجی آرمانگرای واقع‌بینانه ایران را از سایر کشورها متمایز ساخته است. مهم‌ترین این اصول گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره) را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. **حفظ نظام:** مسئله امنیت و حفظ تمامیت ارضی کشور در صدر اهداف و اصول سیاست خارجی همه دولت‌ها قرار دارد. بر این اساس یکی از مبانی اندیشه سیاسی حضرت امام (ره)، تأکید بر ضرورت حفظ نظام است که این موضوع از منظر سیاست خارجی، همان تأکید بر استقلال و رهایی از وابستگی به بیگانگان نیز می‌باشد زیرا که با حفظ استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی یک کشور از آسیب‌های احتمالی مصون می‌ماند. در این زمینه امام (ره)، حفظ ایران به‌عنوان «ام‌القرای» جهان اسلام را از اوجب واجبات می‌دانستند و می‌فرمودند که «اگر این جمهوری اسلامی از بین برود، اسلام آنچنان منزوی خواهد شد که تا ابد، مگر در زمان حضور حضرت، نتواند سرش را بلند کند». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۶، ۱۳۹) از نظر ایشان در صورت حفظ نظام، فرصت لازم برای ادای واجبات و معرفی اسلام ناب به جهان فراهم خواهد بود، اما در صورت فقدان نظام، به‌طور طبیعی زمینه نابودی کامل یا استحاله قطعی مکتب اسلام فراهم می‌شود. این ضرورت اساسی در



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال دوم
شماره پنجم
پاییز ۱۳۹۴

اندیشه امام در عملکرد ایشان در شرایط خاص سیاست خارجی جمهوری اسلامی و به‌ویژه در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در جنگ ایران و عراق کاملاً آشکار است. علاوه بر این، تأکید امام بر مسئله راه قدس از کربلا می‌گذرد و دستور بازگشت نیروهای سپاه پاسداران از لبنان در سال ۱۳۶۱ نیز اولویت حفظ ایران به‌عنوان ام‌القری جهان اسلام را در اندیشه امام خمینی (ره) نشان می‌دهد. (دهشیری، ۱۳۸۲)

۲. نه شرقی، نه غربی: این اصل که یکی از شعارهای مردم در بحبوحه انقلاب بود، برگرفته از اندیشه‌های امام خمینی (ره) در نفی سلطه‌جویی دو ابرقدرت آمریکا و شوروی در فضای جنگ سرد بود. در واقع امام خمینی (ره) با طرح نظریه نه شرقی و نه غربی وایدئولوژی پویا و مبتنی بر اصول ارزشی، بافت سیاسی جهان را از تقابل ایدئولوژیک کمونیسم - کاپیتالیسم به تقابل مادیگری - معنویت‌گرایی تغییر داد و با کاهش حیثیت سیاسی ابرقدرت‌ها عملاً جایگاه جهان سوم و کشورهای عدم تعهد را در نظام دوقطبی ارتقا بخشید. علاوه بر این، امام با طرح این ایده به مقابله با سلطه‌جویی و هژمونی‌طلبی قدرت‌های بزرگ و نظریه ارباب - مشتری پرداخت و تحول و دگرگونی عظیمی در کارکرد نظام بین‌الملل به‌وجود آورد. بر این اساس امام با طرح نظریه نه شرقی و نه غربی بر ضرورت استقلال سیاست خارجی ایران و عدم تعهد به قدرت‌های بزرگ تأکید کردند. این نگاه امام به سلطه‌جویی ابرقدرت‌ها منحصر به آمریکا نبود و ایشان از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، سلطه‌جویی کلیه قدرت‌های بزرگ را مطرود می‌دانستند و با طرح جمله معروف «آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر، همه از هم بدتر، همه از هم پلیدتر» عمق این اندیشه را تبیین کردند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۴۲۰) همچنین در سال‌های اول انقلاب، زمانی که برای اولین بار رئیس‌جمهور محترم وقت ایران قصد داشتند در اجلاس سران عدم تعهد شرکت کنند حضرت امام با اشاره کوچکی به پیش‌نویس نطق ایشان بر ابعاد نه شرقی و نه غربی سیاست خارجی ایران تأکید نمودند. در این نطق که با توجه به فضای آن روز جهان و ارتباط نزدیکی که اکثر کشورهای غیرمتعهد با شوروی سابق داشتند، حمله به شوروی و کمونیسم کمتر از حمله به غرب و آمریکا مطرح شده بود، حضرت امام با طرح این نکته در حاشیه آن که «یک حمله محکم هم به کمونیسم شود» عملاً خط‌مشی نه شرقی و نه غربی را تأکید کردند. (پاک آیین، ۱۳۸۶) علاوه بر این امام (ره) بارها با تأکید بر اینکه «ما با هر کشوری که بخواهد ظلم کند

تأملی بر مبانی
سیاست خارجی
و دفاعی ...
(۹۹ تا ۱۲۱)

مخالفیم، حال این کشور چه در غرب باشد و چه در شرق»، رویکرد نه شرقی و نه غربی را به مسئولین گوشزد می‌کردند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۵، ۲۹۵) ایشان با طرح رهنمودهایی مانند «باید منزوی باشیم تا مستقل شویم» نیز با نفی قطع ارتباط با تمام کشورها، بر ضرورت عدم اتکا به قدرت‌های جهانی و تلاش برای دستیابی به استقلال حقیقتی تأکید می‌کردند. «ملت ایران بدون اتکا به غرب و شرق می‌خواهد روی پای خود بایستد و بر سرمایه‌های مذهبی و ملی خود استوار باشد». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۵، ۲۳۴)

۳. آرمان‌گرایی فعالانه: رویکرد کلی حضرت امام (ره) نسبت به نظام بین‌الملل، رویکردی فعال و مقتدرانه بود. ایشان برخلاف بیشتر رهبران کشورهای جهان سوم و جهان اسلام، برای اعتلای آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، در رویارویی با مسائل بین‌المللی و جهانی، به جای مقهور شدن در مقابل قدرت‌های بزرگ و متکبر و ارائه تصویری منفعلانه و ضعیف از خود، رویکردی تهاجمی و مقتدرانه داشتند. این رویکرد از یکسو موجب نگرانی و ترس قدرت‌های استکباری مسلط بر نظام بین‌الملل شده و از سوی دیگر نور امید را در دل مستضعفان جهان می‌تاباند. (جهان‌بین ۱۳۸۴: ۳۸) این نگرش و رفتار امام در سیاست خارجی، در موضع‌گیری‌های ایشان در قبال مبارزه با نظام سلطه جهانی و به‌ویژه آمریکا، حمایت از مستضعفین و جنبش‌های آزادیبخش و به‌ویژه در مسئله مبارزه با اسرائیل و حمایت از مردم فلسطین، صراحت در اعلام ماهیت اسلام آمریکایی در برخی از این کشورهای اسلامی و محکوم کردن سران برخی از این کشورهای اسلامی در همراهی با طرح‌های استکباری، اعلام حکم اعدام سلمان رشدی و... کاملاً آشکار است. این رویکرد انقلابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که پس از ایشان نیز تحت رهبری مقام معظم رهبری تداوم یافته است سبب افزایش قدرت نرم‌افزاری ایران در منطقه و در جهان و گسترش صدور آرمان‌های اسلام ناب محمدی شده است. از سوی دیگر با برخورد مکتبی با جهان عملاً دشمنان انقلاب در موضع انفعال قرار گرفته‌اند.

۴. صدور انقلاب و امت‌سازی: با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل دولت جمهوری اسلامی ایران، موضوع ضرورت صدور انقلاب به یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه اسلامی تبدیل شد، در واقع هدف اصلی سیاست خارجی ایران از همان آغاز به‌کار حکومت جدید، تبلیغ و گسترش اسلام انقلابی بود. این هدف



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال دوم
شماره پنجم
پاییز ۱۳۹۴

بر اساس اصل دعوت، در وظیفه‌ای ریشه داشت که قرآن برای مسلمانان در راستای تبلیغ پیام الهی در سراسر جهان معین کرده است. بر این اساس صدور انقلاب از موضوعات مورد توجه امام بود، چنانچه ایشان در این زمینه تأکید داشتند که «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله‌الا... و محمد رسول... بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۲، ۱۴۸) از دیدگاه امام، صدور انقلاب همان گسترش اسلام و صادر کردن تجربه‌های انقلاب اسلامی به دیگر کشورها بود. در آن زمان به دلیل تبلیغات استکبار جهانی و طرح نظریات متعدد در مورد صدور انقلاب در داخل کشور سه دیدگاه رادیکال، فرصت‌طلبانه و محافظه‌کارانه در مورد این مسئله وجود داشت که امام هر سه دیدگاه را شدیداً مورد نقد قرار می‌دادند.

الف) دیدگاه رادیکال: این دیدگاه معتقد بود که منافع ملی با منافع آرمانی یکسان بوده و هر نوع نرمش در برابر نظام بین‌الملل مطرود و براندازی نظام‌های مخالف باید در اولویت برنامه‌های صدور انقلاب ایران قرار گیرد. امام با رد این برداشت منفی از صدور انقلاب تأکید می‌کردند که «ما می‌گوییم انقلاب باید به همه جا صادر شود، این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم، ما همه کشورهای اسلامی را از خودمان می‌دانیم، همه کشورها باید در جای خود باشند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۳، ۲۸۱)

ب) دیدگاه فرصت‌طلبانه: طرفداران این دیدگاه منافع ملی را اصل و منافع آرمانی را فرع می‌دانستند و تکیه‌گاه اصلی را بر بازسازی ملی قرار داده و کوشش برای صدور انقلاب را غیرمنطقی و موکول به فراهم بودن شرایط بین‌الملل می‌دانست. امام (ره) در پاسخ به این گروه می‌فرمودند که «دولت اسلامی باید تمام سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهان است، منصرف کنند». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳۲۷، ۲۱)

ج) دیدگاه محافظه‌کارانه: این دیدگاه منافع آرمانی را فاقد وجاهت بین‌المللی دانسته و تنها منافع ملی را به رسمیت می‌شناخت. پیروان این دیدگاه هرگونه فعالیتی را برای صدور انقلاب، عملی نادرست دانسته و آن را

موجب برانگیختن حساسیت منفی جامعه جهانی علیه منافع ملی تلقی می‌کرد. این مسئله حتی در برخی اظهارنظرات داخلی موجود در ایران مانند «انقلاب کالا نیست که بتوان آن را به وسیله کوله پشتی‌های انقلابی‌های ایران به دنیا صادر کرد» نیز مطرح می‌شد. (جهان‌بین، ۱۳۸۴: ۳۹) امام (ره) در پاسخ به این گروه، بسیار کوبنده و محکم بر ضرورت صدور انقلاب تأکید داشتند و می‌فرمودند که «ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۲، ۲۰۲)

به‌طور کلی امام در زمینه صدور انقلاب با تأکید بر ضرورت صدور انقلاب اسلامی و رد استفاده از ابزارهای نظامی و اقدامات فیزیکی، رویکردی فرهنگی و سیاسی به این مسئله داشتند. از نظر امام انقلاب اسلامی از آن جهت که معرف آرمان‌های ملل محروم و مسلمانان مظلوم است، به‌طور طبیعی مورد پذیرش آنان قرار خواهد گرفت، به عبارت دیگر از منظر ایشان انقلاب به‌خودی خود صادر خواهد شد و از سوی ملت‌های مسلمان و مستضعف جهان مورد استقبال قرار خواهد گرفت. زیرا که رمز صدور انقلاب اسلامی تطبیق آن با فطرت انسانی است. (فلاح نژاد، ۱۳۸۴) از سوی دیگر امام، با صدور معنویت به جهانیان و ارائه چهره واقعی اسلام به‌عنوان دینی جامع و متناسب با شرایط روز و دارای ایدئولوژی سیاسی، پروژه امت‌سازی را در دستور کار خود قرار داده بود که با قابلیت الگو شدن جمهوری اسلامی ایران برای کشورهای دیگر و تأکید بر ضرورت وحدت و انسجام اسلامی و انقلاب در مقابل استکبار جهانی، عملاً ملل جهان و به‌ویژه مسلمانان از این الگو و اسوه حسنه حمایت کرده و سیره نظام اسلامی را در کشور خود نیز پیاده خواهند کرد. بر این اساس، امام همواره بر ضرورت رویکرد سیاست خارجی ملت‌گرایانه ایران و اهتمام به الگو شدن ایران تأکید می‌کردند و می‌فرمودند که: «باید مسئولین اهتمام ورزیده و این کشور را به‌عنوان الگو به جهان معرفی کنند» (پاک آیین، ۱۳۸۶)

۵. تأکید بر ضرورت یکپارچگی و همبستگی ملل مسلمان و انسجام اسلامی: ظهور امام خمینی (ره) به‌عنوان مهم‌ترین اندیشمند و مصلح جهان اسلام در تاریخ معاصر و بازتاب اندیشه‌های ایشان در گفتمان انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در ارتباط با مسئله وحدت جهان اسلام محسوب می‌شود و از این رو، یکی دیگر از



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال دوم
شماره پنجم
پاییز ۱۳۹۴

اصول بنیادین گفتمان انقلاب اسلامی که در سیاست خارجی ایران نمود ویژه ای یافته است، تلاش برای وحدت جهان اسلام بوده است. ایشان سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی فرمودند «برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۳۳۶) از نظر امام تفرقه بین مسلمانان و مستضعفان و دیگر دولت‌های اسلامی عامل اصلی گرفتاری‌های آنان است. در این باره ایشان می‌فرمودند که «اگر مسلمین با هم بودند، این‌طور ذلیل نبودند زبردست اجانب و عمال اجانب، مسلمین قریب یک میلیارد جمعیت‌اند ولی یک میلیارد جمعیت متفرقه». هدف اصلی حضرت امام (ره) از طرح اندیشه وحدت اسلامی، فراهم آوردن زمینه استقلال و آزادی جوامع اسلامی بود. از نظر ایشان، وحدت کلمه، کلید رهایی از سلطه استکبار جهانی است، زیرا تنها در سایه وجود تفرقه و اختلاف در بین مسلمین است که قدرت‌های سلطه‌طلب، امکان سلطه بر کشورهای اسلامی را می‌یابند. ایشان در این زمینه بارها با تأکید بر نمونه‌های عینی توطئه اجانب مانند تقسیم دولت بزرگ عثمانی یا اشغال فلسطین و تداوم آن، دولت‌های اسلامی که گاه در دام تفرقه‌افکنان قرار گرفته بودند را مورد خطاب قرار می‌دادند و می‌فرمودند که باید دولت‌های اسلامی از این عبرت ببرند و بدانند که رمز پیروزی دولت‌ها وحدت کلمه و رفع اختلاف است (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱، ۳۷۵).

حضرت امام در زمینه مسئله فلسطین نیز معمای تفرقه میان مسلمین را عامل اصلی ایستادگی اسرائیل در مقابل مسلمین می‌دانستند و بر لزوم وحدت مسلمین در این زمینه تأکیدات فراوانی داشتند به گونه‌ای که نامیدن جمعه آخر ماه رمضان به نام روز جهانی قدس در راستای حمایت از ملت مظلوم فلسطین و ضرورت همگرایی میان جهان اسلام از سوی ایشان طرح شد. آرا و اندیشه‌های امام در باب وحدت اسلامی اگرچه از سوی بسیاری از سران کشورهای اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفت، اما این مسئله روح تازه‌ای در کالبد جریان‌های اصولگرای اسلامی در منطقه دمید و باعث شد روند معادلات جدیدی در خاورمیانه شکل گیرد. در این میان گروه‌های مقاومت و جهادی سراسر جهان و به‌ویژه در کشورهای فلسطین و لبنان که در نقطه عطف جهان اسلام حضور دارند، بهره بیشتری از موج وحدت اسلامی برده و در نتیجه تأثیر بسزایی در تحولات منطقه ایفا کردند.

۶. استکبارستیزی، نفی سلطه‌گری، سلطه‌پذیری و وابستگی: یکی دیگر از

اصول گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و به‌طور کلی مبارزه با استکبار بود. ایشان برای حیات زیر سلطه غیر، ارزشی قائل نمی‌شدند، بلکه حیات را به آزادی و استقلال می‌دانستند و با توجه به قاعده نفی سبیل می‌فرمودند که «ما منطقمان، منطق اسلام، این است که سلطه نباید از غیر بر شما باشد. نباید شما تحت سلطه غیر بروید. ما هم می‌خواهیم نیرویم زیر سلطه». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۹۱) همچنین ایشان تأکید داشتند که «ما با هیچ یک از ابرقدرت‌ها سازش نداریم، نه تحت سلطه آمریکا می‌رویم و نه زیر بار شوروی، ما مسلمانیم... و می‌خواهیم زندگی فقیرانه داشته باشیم ولی آزاد و مستقل باشیم». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۵، ۳۴۰) در واقع، تجربه تلخ تاریخی و خاطراتی که امام از نوع و نحوه تعامل دولت‌های ما قبل انقلاب ایران داشتند نیز در راستای اتخاذ سیاست‌هایی پیش می‌رفت که دولت و ملت ایران را به گفته امام از یوغ امپریالیسم رهایی بخشد. بر این اساس، امام تأکید داشتند که «هرکس در هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت بی‌محابا و بدون هیچ ملاحظه‌ای او را از صفحه روزگار براندازید». از سوی دیگر، امام از نخستین روزهای آغاز نهضت اسلامی معتقد بودند که اتحاد اسلامی نیز باید بعد ظلم‌ستیزی و انقلابی داشته باشد و براین اساس برای مبارزه با فشارهای ابرقدرت‌ها، ملل مسلمان را به یکپارچگی و همبستگی فرا می‌خواندند. از سوی دیگر امام در روابط خارجی ایران با کشورهای دیگر به‌ویژه قدرت‌های بزرگ، بر ضرورت استکبارستیزی تأکید بسیاری داشتند چنانچه در این زمینه به‌ویژه در مواضع ایشان در قبال آمریکا بر این مسئله تأکید می‌شد. بر این اساس حضرت امام خمینی (ره) آمریکا را شیطان بزرگ دانسته و معتقد بودند که تا زمانی که آمریکا روش‌های غلط و سلطه‌جویانه خود در برخورد با دیگران و با جمهوری اسلامی ایران را تصحیح نکند، نمی‌توان با این کشور رابطه برقرار کرد. اهمیت مسئله استکبارستیزی و نفی سلطه و وابستگی سبب شد که امام (ره) در قسمتی از وصیتنامه خود نیز با مخاطب قرار دادن وزرای امور خارجه در دوران حال و آینده توصیه کنند که «از هر امری که شائبه وابستگی - با همه ابعادی که دارد - به‌طور قاطع احتراز کنید و باید بدانید که وابستگی در بعضی امور هرچند ممکن است ظاهری فریبنده داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه ریشه کشور را به تباهی می‌کشاند». (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴)



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال دوم
شماره پنجم
پاییز ۱۳۹۴

۷. تأکید بر اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و روابط عادلانه: امام خمینی (ره) با تأکید بر حفظ استقلال نظام، ارتباط با خارج از کشور و برقراری رابطه با کشورهای جهان را توصیه می‌کردند. امام در این زمینه تصریح داشتند که «ما نمی‌خواهیم در یک کشوری زندگی کنیم که از دنیا منعزل باشیم. ایران امروز نمی‌تواند این‌طور باشد، امروز دنیا مانند یک عائله و یک شهر است، یک شهر دارای محله‌های مختلفی است که با هم ارتباط دارند و وقتی دنیا وضعش این‌طور است ما نباید منعزل باشیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۹، ۴۱۳) بر این اساس امام با تأکید بر اصل احترام متقابل و عدم دخالت در امور یکدیگر می‌فرمودند که «ما روابط دوستانه با همه ملت‌ها داریم و دولت‌ها هم اگر به‌طور احترام با ما رفتار کنند ما هم احترام متقابل را رعایت می‌کنیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۵، ۱۴۸) از سوی دیگر، امام در برقراری روابط با کشورهای دیگر بر مشترکات توجه داشتند. این امر در واقع برگرفته از سیره نبوی و دیپلماسی پیامبر اسلام (ص) بود که همواره به سفر و نمایندگانی خود در خارج از بلاد اسلامی توصیه می‌فرمودند که بر سر مشترکات خود با ملل دیگر تأکید کنید و اگر هیچ اشتراکی نداشتید بر «انسان بودن خود»، تأکید کنید. علاوه بر این حضرت امام خمینی (ره) در زمینه ضرورت روابط صلح‌آمیز و مسالمت‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب معتقد به ایجاد روابط برپایه مبانی اسلامی و انسانی بودند چنانچه از نظر امام باید روابط بین ملت‌ها برپایه مسائل معنوی باشد و در این رابطه بعد مسافت تأثیری ندارد و چه بسا کشورهای که هم‌جوار هستند، اما رابطه معنوی بین آنها نیست. بنابراین روابط دیگر هم نمی‌تواند مثمرتر باشد. ما روابطمان با کشورها بنابر مبانی اسلام خواهد بود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۸، ۲۴۷) از سوی دیگر امام خمینی (ره) بر اولویت قرار دادن ارتباط با کشورهای اسلامی در سیاست خارجی تأکید داشتند. از نظر ایشان، ارتباطاتی که مبنای ایدئولوژیک و اعتقادی داشته باشد بادوام‌تر خواهد بود. بنابراین اتحاد بین کشورهای اسلامی در چارچوب نهادهای منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی ضرورت دارد و این اتحاد تنها در سایه برقراری و تقویت روابط ممکن می‌شود. براین اساس امام تأکید داشتند که «کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید». (امام خمینی، ۱۳۷۴، ۵۵)

تأملی بر مبانی
سیاست خارجی
و دفاعی ...
(۹۹ تا ۱۲۱)

خارجی در گفتمان امام خمینی (ره)، مبارزه با ظلم و حمایت از مظلوم بود. در واقع، امام خمینی (ره) با استناد به سیره انبیا، ملت اسلام را پیرو مکتبی می‌دانست که برنامه آن در دو کلمه «نه ستم کنید و نه مورد ستم قرار گیرید» خلاصه می‌شود. این مسئله مهم‌ترین دلیل پویایی انقلاب اسلامی و گسترش موج آرمانگرایی سیاست خارجی ایران و حمایت و تأثیرپذیری جنبش‌های آزادیبخش از نظام جمهوری اسلامی ایران بود. امام خمینی (ره) در این زمینه همواره تأکید داشتند که «ما طرفدار مظلوم هستیم، هر کسی در هر کجا که مظلوم باشد ما طرفدار او هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۵، ۱۴۸) ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم». حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه با بین‌المللی کردن مبارزه با ظلم تأکید داشتند که ما با دولت‌هایی که ظالم هستند، چه به ما ظلم کرده باشند و چه به برادران مسلمان ما ظلم کرده باشند و بکنند، با آنها دشمن هستیم. این رویکرد نظری و جهت‌گیری‌های عملی سیاست امام به‌ویژه در قبال مبارزه با آمریکا، اسرائیل و حمایت ایران از جنبش‌های آزادیبخش اسلامی و غیراسلامی و به‌ویژه مردم محروم افغانستان، فلسطین، لبنان و... سبب احیای بیداری اسلامی در جهان اسلام و همچنین هویت بخشی به کلیه مستضعفان و مظلومان جهان در قالب یک بلوک مستقل در مقابل مستکبرین شد.

مبانی سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های امام خمینی (ره)

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های گفتمان انقلاب اسلامی را می‌توان در اندیشه‌های دفاعی - امنیتی آن مورد بررسی قرار داد. در این زمینه، امام خمینی (ره) در جریان انقلاب اسلامی و به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دکتترین دفاعی - امنیتی جدیدی را بنا نهادند. این دکتترین که در قالب دیپلماسی جهاد، فرهنگ شهادت‌طلبی و استراتژی بازدارندگی مردمی طراحی شد، برخلاف الگوهای رایج در بررسی میزان و ملاک قدرت یک کشور، عناصر غیرمادی و هنجاری را وارد ادبیات روابط بین‌الملل کرد. (دهشیری، ۱۳۷۹: ۱۱۰-۱۶۳) به‌عبارت دیگر امام خمینی (ره) با فرهنگ‌سازی مقاومت مردمی، روحیه شهادت‌طلبی و فرهنگ بسیجی، در سنجش ملاک قدرتمندی و توانایی دفاعی ایران، عنصر شهادت را به‌عنوان متغیر جدیدی برای تعیین قدرت یک کشور طرح کردند، ایشان با عباراتی مانند «شهدا مظهر قدرت ایران هستند» یا «ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد» بر



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست

سال دوم
شماره پنجم
پاییز ۱۳۹۴

برتری قدرت معنوی بر مادی و بیمه کردن نظام از آسیب‌های ظاهری تأکید داشتند و آن را رمز پیروزی بر دشمن می‌دانستند: «ملتی که زن و مردش برای جانفشانی حاضرند و طلب شهادت می‌کنند، هیچ قدرتی با آن نمی‌تواند مقابله کند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۳، ۱۲۸) با توجه به این مسائل، مهم‌ترین مبانی سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های امام (ره) را می‌توان به شرح زیر مورد بررسی قرار داد:

۱. **دیپلماسی جهاد:** شالوده اصلی دکترین دفاعی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام را مسئله جهاد و دیپلماسی جهاد تشکیل می‌داد. در این مورد، امام خمینی (ره) با تکیه بر مسئله جهاد و جایگاه آن در اندیشه اسلامی، با استفاده از جهاد دفاعی به عنوان یک تکلیف الهی و رسالت حراست از ارزش‌های معنوی- انسانی و حفظ امانت اسلام، بر ضرورت جهاد برای استقلال‌طلبی، آزادیخواهی و عدالت‌جویی تأکید داشتند. در واقع امام با این‌گونه سیاست‌های اعلامی و تبلیغاتی به دنبال جهت‌دهی به افکار عمومی بین‌المللی در اثبات حقانیت اقدامات نظامی دولت اسلامی نیز بودند و به‌نوعی علاوه بر تقویت روحیه جهادی در رزمندگان، استراتژی دفاعی ایران در پاسخ‌گویی به حملات دشمن متجاوز را در قالب نوعی دیپلماسی اعلامی در معرض دید افکار عمومی جهان قرار می‌دادند. از این رو جهاد و شهادت رزمندگان ایرانی در راستای رفع ظلم و فتنه و توطئه علیه مملکت اسلامی، دفاع از ارزش‌های انسانی- معنوی یا استقلال‌خواهی، عدالت‌طلبی و آزادیخواهی صورت می‌گرفت، چنانچه مثلاً امام (ره) در این زمینه فرمودند: «اکنون که ملت ایران بر سر دو راهی مرگ و حیات و آزادی و اسارت و استقلال و استعمار و عدالت اقتصادی و استثمار واقع است و در پیشگاه خداوند تعالی و نسل آتیه مسئول است، باید تا رسیدن به هدف، نهضت را هرچه شورانگیزتر ادامه دهد» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۳۰۹)

۲. **فرهنگ شهادت‌طلبی:** مجموعه اندیشه‌های امام خمینی (ره) در گفتمان دفاعی - امنیتی سیاست خارجی ایران تنها با محوریت شهادت و شهادت‌طلبی قابل بررسی است. در این راستا امام خمینی (ره) نقش مهمی در ترویج روحیه شهادت‌طلبی و هدایت نیروهای شهادت‌طلب داشتند. ایشان با تأکید بر ارزش‌ها و باورهای مذهبی مانند ایمان، اخلاص، اعتقاد به حیات جاوید، عروج به مقام ربوبی توانستند با از بین بردن هراس از مرگ در راه دفاع از اسلام، شهادت‌طلبی را

تأملی بر مبانی
سیاست خارجی
و دفاعی ...
(۹۹ تا ۱۲۱)

به صورت نهادینه شده‌ای در جامعه ایران فرهنگ‌سازی کنند. (دهشیری، ۱۳۷۹: ۱۱۱-۱۴۰) در این راستا عباراتی مانند «اسلام عزیزتر از آن است که ما خوف داشته باشیم که خونمان یا جوانانمان در راه او شهید شوند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۶، ۲۷۰) یا «اسلام شهدای بزرگ داشته است و مفتخر است به اینکه در راه خدا و در راه هدف، شهدای بزرگ داده است. ما هم مفتخریم به اینکه در راه اسلام و در راه هدفمان شهید بدهیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۷، ۱۹۷) سبب ایجاد نوعی آمادگی اجتماعی برای ایثار و فداکاری می‌شد. از سوی دیگر امام همواره شهادت را در قالب احدی الحسینین نه مقدمه‌ای برای پیروزی بلکه خود پیروزی می‌دانستند: «شهادت شکست نیست... شما یا پیروز می‌شوید یا شهید، در هر دو جهت پیروزی با شماست». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۳، ۲۲)

۳. استراتژی بازدارندگی مردمی: یکی دیگر از مهم‌ترین ارکان استراتژی دفاعی در گفتمان سیاست خارجی ایران از دیدگاه امام (ره)، بسیج نیروهای مردمی در قالب تشکیل ارتش بیست میلیونی، بسیج دفاعی و مقاومت مردمی علیه تجاوزگری دشمن بود. در این راستا امام با طرح لزوم مشارکت و حضور مردم در جبهه‌های جنگ، با بیان سابقه بسیج مردمی در اسلام، بر ضرورت آمادگی تمام قشرهای مردم برای دفاع از میهن اسلامی تأکید می‌کردند: «قضیه بسیج همان مسئله‌ای است که در صدر اسلام بوده است. وقتی جنگ می‌شد، طوایف مختلف می‌آمدند و به جنگ می‌رفتند و این مسئله جدیدی نیست و در اسلام سابقه داشته است و چون مقصد ما اسلام است باید هر جوانی یک نیرو باشد، برای دفاع از اسلام و همه مردم و هر کس در هر شغلی که هست مهیا باشد برای جلوگیری از کفر و الحاد و هجوم بیگانگان». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۹، ۲۲۰) امام حضور مردم در صحنه را عامل عمده بازداشتن دشمن از اقدام به تهاجم یا تجاوز می‌دانستند و با به‌کارگیری استراتژی بازدارندگی مردمی، در صدد دفاع از نظام جمهوری اسلامی ایران بودند. «حضور شما مردم عزیز و مسلمان در صحنه است که توطئه‌های ستمگران و حيله‌گران تاریخ را خنثی می‌کند». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۴، ۴۷۳)



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال دوم
شماره پنجم
پاییز ۱۳۹۴

نتیجه

سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران در بیش از سه دهه اخیر به

عنوان یکی از منظومه‌های گفتمانی انقلاب اسلامی، بی‌شک یکی از مهمترین و چالش‌برانگیزترین ابعاد رفتاری نظام جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید که تأثیرات وسیعی در سیاست بین‌الملل و در نظام تعاملات منطقه‌ای در خاورمیانه بر جای گذاشته است. ارزیابی مبانی رفتار و عملکرد ایران در این حوزه براساس اندیشه‌های امام (ره) تنها از طریق درک گفتمان حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی گفتمان انقلاب اسلامی ممکن است. از این رو، کالبد شکافی و بررسی دقیق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیازمند شناسایی عناصر گفتمانی - مانند پیوند دین و دولت، اصل دعوت، قاعده نفی سبیل، اصل تولی و تبری، تفکیک دارالاسلام از دارالکفر، حفظ مصلحت دولت اسلامی و تالیف قلوب - در گفتمان اسلامی است. این عناصر گفتمان اسلامی در مفصل‌بندی‌ای که براساس اندیشه‌های امام خمینی (ره) در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، اصول، اهداف و منافع ملی ایران در حوزه سیاست خارجی - مانند حفظ نظام، نه شرقی و نه غربی، آرمانگرایی فعالانه، صدور انقلاب و امت‌سازی، دیپلماسی جهاد، استراتژی بازدارندگی مردمی و... - را شکل داده‌اند. در این میان دو نکته مهم در بررسی گفتمان سیاست خارجی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های امام حائز اهمیت است، نکته اول در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به درک متقابل از اوضاع داخلی و نظام بین‌الملل باز می‌گردد که در آن با حفظ آرمان‌ها، به واقعیت‌های موجود و عملیاتی کردن آن توجه شده است. در این زمینه در اندیشه امام (ره) در قالب استراتژی «تدرج» یعنی درجه‌بندی و «وسع» یعنی تحقق آرمان‌ها براساس توانایی‌ها و ظرفیت‌ها، پلی میان آرمان‌ها و واقعیات زده شده است. این رویکرد آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، با لحاظ انقلابی‌گری، واقعیات موجود در نظام بین‌الملل را می‌پذیرد اما هرگز در مقابل آنان تسلیم نمی‌شود، بلکه با وارد کردن عقلانیت غایی یعنی نگاه به غایت انسان و جهان و همچنین عقلانیت اخلاقی یعنی شیوه تطبیق اهداف و آرمان‌ها و شیوه وصول به آن اهداف، در کنار عقلانیت ابزاری، آرمان‌گرایی و غایت‌گرایی را در درون اندیشه خردورزانه انقلاب اسلامی جای می‌دهد. از سوی دیگر، در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران نیز همزمان بر قدرت نرم و سخت تاکید می‌گردد به گونه‌ای که ضمن تاکید بر دیپلماسی جهاد و بازدارندگی، این موضوع با محوریت بازدارندگی مردمی و فرهنگ شهادت طلبی تقویت گردیده و بسط داده شده است.

تأملی بر مبانی
سیاست خارجی
و دفاعی ...
(۹۹ تا ۱۲۱)

کتابنامه

- ادیب زاده مجید. (۱۳۸۷) زبان، گفتمان و سیاست خارجی: دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمادین ایرانی، نشر اختران، تهران.
- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۴) وصیتنامه سیاسی الهی امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۸) مجموعه صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- پاک آیین، محسن. (۱۳۸۶) امام خمینی و سیاست خارجی، روزنامه اطلاعات، ۱۳ اردیبهشت.
- تاجیک، محمد رضا. (۱۳۸۳) سیاست خارجی عرصه فقدان تصمیم و تدبیر، فرهنگ گفتمان، تهران.
- تحلیل ها و گزارش ها: نگاهی به محورهای سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)، (۱۳۷۸)، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۵۱، پائیز.
- جهان‌بین، اسماعیل، (۱۳۸۴) دیدگاه‌های جهانی امام خمینی (ره)، حصون، ش ۳، بهار.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۷۹) درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۲) امت‌سازی در پروژه انقلاب اسلامی، ماهنامه زمانه، ش ۱۷، بهمن.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال. (۱۳۸۴) تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه انتشاراتی ایران.
- ستوده، محمد. (۱۳۷۸) امام خمینی و مبانی نظری سیاست خارجی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۵، تابستان.
- سجادی، عبدالقیوم. (۱۳۸۳) دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، قم: بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سیاست خارجی و روابط بین الملل از دیدگاه امام خمینی (۱۳۸۱) تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- فلاح‌نژاد، علی. (۱۳۸۴) سیاست صدور انقلاب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بهمن.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال دوم
شماره پنجم
پاییز ۱۳۹۴

- قزوینی، سید علی. (۱۳۷۴)، بحثی درباره سیاست خارجی اسلام: پژوهشی در بعد فقهی سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۱.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵) تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری، در: نسرین مصفا، نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تابستان.
- موسوی زاده علیرضا و جاودانی مقدم مهدی. (۱۳۸۷)، نقش فرهنگ ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه دانش سیاسی، پائیز و زمستان.
- نخعی، هادی. (۱۳۷۶)، توافق و تزاخم منافع ملی و مصالح اسلامی: بررسی تطبیقی سیاست خارجی دولت‌های ملی و اسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- هوارت، دیوید. (۱۳۷۸) نظریه گفتمان در مارش دیوید و استوکر جری، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Foucault M. (1988) the Archaeology of Knowledge. London: Tavistock.
- Philips L & Jorgensen M. (2002) Discourse Analysis as Theory and Method, London Sage Publication.